

زمانی متفاوت؛ فردگرایی و توسعه سیاسی در ایران**

دکتر سعید مقیمی

Different Era: Individualism and Political Development in Iran**۱- طرح مسئله**

«ر.گرای» و حقوق مرتبط با آن با توجه به تأثیر فراگیرش در شکل‌گیری و تداوم عصری جدید در تاریخ بشری به مقوله‌ای اساسی و معتبر در نظریه‌های سیاسی بدل شده است. ارتباط وثیق این مفهوم با اصول و آرمان‌ها یی چون آزادی، برابری، قانون‌گرای، دموکراسی موجب شده که پایه ریزی هر مکانیسم جدیدی از قدرت سیاسی بدون بهره‌گیری از ملزومات و حضور پر رنگ چنین مفهومی ناکارآمد بوده و در نهایت ره به جا یی نبرد. این پژوهش در صدد است که مبحث توسعه سیاسی را در قالب بحث «حدود» و «امکان» فرا روی جامعه به گفتگو گرفته و نشان دهد در گذشته علی‌رغم ترسیم حدودهای فراخ برای تغییر و تحول، در واقع چنین «امکانی» برای جامعه وجود نداشته است. پرسش اصلی این پژوهش به دنبال این است که دریابد، تحولات سیاسی و اجتماعی بر گرفته از نوسازی جامعه ایران چه تأثیری بر توسعه سیاسی ایران دارد؟ به بیان دیگر با توجه به ساختار اجتماعی و سیاسی فعلی کشور آیا می‌توان شاخص عمده‌ای را به عنوان گزینه و بستری مناسب جهت توسعه سیاسی در ایران مطرح نمود؟

سیطره تفکر سلبی بر بررسی‌های مباحث توسعه در ایران به نظر امکان توجه به پتانسیل‌ها و در عین حال تحولات انجام شده در تاریخ معاصر ایران را با نوعی امتناع روبرو گردانیده است. این فضا باعث گردیده که چارچوب‌های تئوریک ارائه شده از سوی محققین در خصوص گذشته، حال و آینده این کشور، در هاله‌ای از ابهام و در عین حال به عنوان امتناعی غیر قابل اجتناب از «نبودن»، «نداشتن» و «نشدن» تفسیر گردد، به گونه‌ای که حتی در اندیشه‌های انقلابی و ایده‌آلیستی که خواستار تحول در این مرز و بوم هستند عملاً چرخه‌ای از عدم امکان باز تولید می‌شود. بدین جهت این نوشتار تلاش می‌نماید با رویکردی جامعه‌شناختی تغییر در مفاهیم و اندوخته‌های جامعه را پیگیری و بازبینی نماید. بازبینی که به نظر حکایت از آن دارد در جامعه «بودن»، «داشتن» و «شدن» برای فهمی تئوریک از روند تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران (اندیشه ایجابی) کاملاً موضوعیت دارد. بر اساس همین آسیب‌شناسی، این پژوهش بر پایه داده‌های موجود در صدد است که نشان دهد در تاریخ معاصر کشورمان هیچ‌گاه «امکان» توسعه سیاسی تا این درجه در اختیار جامعه و دولت‌مردان آن نبوده است. زیرا شکل‌گیری فردگرایی (انسان مدرن) بعنوان یکی از عوامل مهم ایجاد توسعه سیاسی در ایران از قوام و دوام لازم برخوردار شده است.

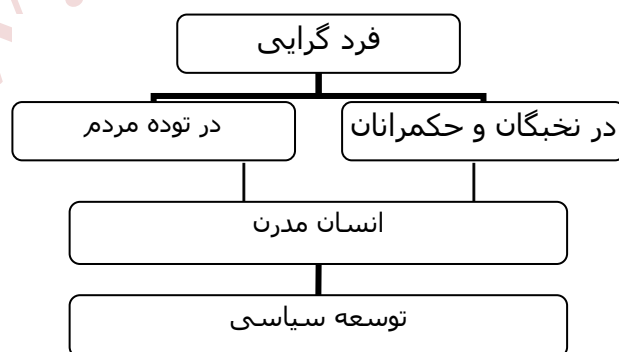
۱- چارچوب نظری

به نظر چند نکته اساسی در خصوص «دشواری مطالعات ایران» و بهره‌گیری از چارچوب نظری درباره مسائل آن قابل طرح و بررسی است.

نکته اول را می‌توان بر گرفته از دغدغه‌های ذهنی و تمنا یید دانست که در راستای کاهش عقب‌ماندگی و پیشرفت در دوران معاصر به سراغ ما آمده است. دسته‌ای از عوامل که اجازه نمی‌دهند محقق در نقش بی‌طرفانه و واقعی خود ایفای نقش نماید. این فضا موجب می‌شود که «نگاه ما به تاریخ مان شتابزده، مطلق‌گرا و مهمتر از همه سیاسی^۱» باشد. نکته دیگر از منظر عام‌تری نشان می‌دهد ناتوانی مباحث در این زمینه می‌تواند متأثر از مشکلات نظری و روشی باشد که معمولاً «تمامی تئوری‌های مطروحه‌لا لا گونه ای با آن دست به گریبان هستند. مشکلاتی که تحت تأثیر پارادایم‌های قالب سیاسی فضای مدرن روش‌ها و تئوری‌های موجود را در عرصه تبیین جوامع بشری به شکل خاصی تحت تأثیر قرار داده است.»^۲

نکته سوم متأثر از شرایط و ویژگی‌های خاص و متفاوت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این کشور کهن است. در این تحقیق مفروض اصلی این است که انقطاع تاریخی که مفهوم «توسعه» را با عنوان امری قابل پژوهش در عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی ایران موضوعیت بخشیده، حاصل دست آورد بشری جدیدی است که ما به عنوان «مدرنیته» از آن یاد می‌کنیم.

فردگرایان و حقوق فردی و تأثیرات مرتبط با آن به عنوان دست آوردی جدید در حیات بشری جهت تبدیل به ارزش و ایستارهای قابل دفاع و اجرا در جامعه باید به عنوان باور و الگوی مطرح گردد که بر اساس آن بتوان کنشی متفاوت و نوین را در جامعه ملاحظه کرد. به این معنا فردگرایی نه یک مبحث صرف فلسفی یا موضوعی در گفت‌وگو روشن‌فکری و نخبگان جامعه، بلکه تجربه «زیستنی متفاوت» برای کل جامعه می‌باشد. به بیان مارشال برمن «تجربه مدرنیته»^۳ است و از این رهگذر است که می‌توان مفهوم توسعه را پیگیری نمود.



جامعه پذیری سیاسی به عنوان زیر مجموعه جامعه پذیری در واقع به انتقال و نهادینه شدن ایستارهای سیاسی فردی می‌پردازد. بنابراین اگر ایستارها و باورهای جدیدی فرا روی یک جامعه قرار گیرد یا به تعبیر دیگر با «دگرگونی ارزش‌ها» مواجه گردیم، این فرایند جامعه پذیری است که می‌بایستی این ایستارها و باورها را به افراد جامعه انتقال دهد.

اما مشکل اساسی که در فرایند جامعه پذیری سیاسی باید به آن توجه نمود و معمولاً در تبیین عینی جامعه از آن غفلت می‌شود این است که بین دگرگونی ارزش‌ها و نیاز به این دگرگونی، یا در اصل جامعه پذیری این دگرگونی، هم زمانی لازم صورت نمی‌پذیرد. همان و... که اینگلهارت به درستی در خصوص «فرضیه اجتماعی شدن» اشاره می‌کند «مناسبات میان محیط اجتماعی، اقتصادی و الویت‌های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست، یک تاخیر زمانی مدسوس در این میان وجود دارد» اینگلهارت با اشاره به امکان تغییرات و دگرگونی ارزش‌ها پدید که در یک جامعه به وقوع می‌پیوندد یادآوری می‌کند «فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌ها فردی و نه ارزش‌های یک جامعه به طور کلی یک شبه تغییر نمی‌کنند... دوم یک تاخیر زمانی نسبتاً بزرگ بین دگرگونی‌های اقتصادی و پیامدهای سیاسی آنها وجود دارد.»⁶

دیر پایه فرهنگ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی یک جامعه معمولاً «فرایند جامعه پذیری جدید را با دشواری بسیار زیادی روبرو می‌گرداند؛ لذا تاخیر زمانی بین نیازهای ارزشی جدید و باور به آنها یکی از اصلی‌ترین معضلات این گونه جوامع محسوب می‌شوند.»

توجه به تاخیر زمانی مورد گفتگو، بحث مهم دیگری را در خصوص آسیب شناسی جامعه پذیری سیاسی ایران مطرح می‌کند. آلموند در تحلیل خود از جامعه پذیری سیاسی «عاملان جامعه پذیری سیاسی»⁷ را خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی، گروه همسالان، حرفه، طبقه، احزاب سیاسی، رسانه‌های جمعی برمی‌شمارند. بدیهی است در جامعه‌های که مفهوم انسان مدرن شکل و قوام خود را به درستی به دست نیاورده است فرایند جامعه پذیری سیاسی نون نیز به درستی امکان پذیر نمی‌باشد زیرا هر یک از عاملان خود دچار دوگانگی، فاقد توانا پید، شایستگی و پتانسیل لازم برای انتقال داده‌های جدید می‌باشند؛ لذا علی‌رغم این که جامعه تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های مدرن قرار می‌گیرد و نقش‌های مدرن اعم از حقیقی یا حقوقی در حال شکل‌گیری و یا شکل گرفته‌اند. (مجلس، و یا نقش‌های فردی چون، نمایندگی مجلس) اما بین نقش‌های مدرن به دست آمده ما و ذهنیت مدرن نقش‌های لازم، نه تنها یک تاخیر زمانی کامل بلکه تضاد و تعارضی خاص به چشم می‌خورد.

۲- فردگرایی (شکل‌گیری انسان مدرن)

«در آغاز عصر مدرن، نوعی نگرش جدید انسان را از جدول بازنمایید خارج ساخت و او را به عنوان تنها خالق معنا معرفی کرد. فوکو از این تغییر نگرش به عنوان آغاز عصر مدرن نام می‌برد... انسان به دیده آنان تولیدکننده معنا به شمار می‌رفت و بر نقش آن‌ها فارغ از تاریخ و زبان تأکید می‌شد... این انگاره آرمانی از انسان، با فرا روایت‌ها پید همچون عقلانیت، پیشرفت، رها پید و ترقی تکمیل می‌شد»⁸ انسان به عنوان فاعل شناسا پید با توجه به تحولات دوران رنسانس و رفرماسیون و تحولات ساخت اقتصادی جایگاهی مستقل‌تر در پیوند با دنیای عینی یافته بود. مفهوم و جایگاه انسان به گونه‌ای مستقل با زمین پیوند خورده بود.

شکل‌گیری و قوام هر چه بیشتر اصول فلسفی عصر روشن‌یابی⁹ یعنی خردگرایی، طبیعت‌گرایی و ایده‌ترقی و پیشرفت با توجه به تبیین جدید آن‌ها، به شکل مستقیم در پایه

ریزی رهیافت‌های جدید سیاسی عصر نوین از جمله آزادی، برابری، طرد حکومت خود سرانه، مدارا و تساهل و ... نقش بارزی را ایفا می‌کند.

عقل مدرن دیگر نمی‌توانست هیچ چیز را از روی الزامات زمینی یا متافیزیکی بی چون و چرا بپذیرد و لاجرم نسبت به اقتدار و سنت و ایمان با دیده تردید می‌نگریست. فرد جدید «انسانی متعقل و قائم به خویش» را به تصویر می‌کشید که می‌تواند خود محور باشد. از سوی دیگر این رهیافت فلسفی با این اندیشه بورژوازی که انسان را موجودی دنیوی و بهره‌مند از این امکان که به تولید و لذت از این وجه پردازد نیز کاملاً تقویت می‌شد.

مطرح شدن و قوام یافتن «انسان متعقل و قائم به خویش» نه تنها چالش به وجود آمده در حوزه دین پس از رفرماسیون را بیش از پیش عمیق‌تر نمود بلکه حوزه ذهنی و اجتماعی قدرت سیاسی را نیز لالالالالا گذشته به چالش کشید و بدین ترتیب می‌توان گلات از تبعات مهم اجتماعی- سیاسی فردگرایان توأم با خردگرایان به چالش کشیدن حوزه قدرت تخت و منبر بود. این فضا خود خالق نیازهای جدید در حوزه نهادها و سازوکارهای سیاسی جامعه بود، یعنی ظهور حکومت‌های قانون‌گرا و محاط شده‌ای که بتوانند پاسخگوی تحولات صورت گرفته و یا در حال تغییر باشند. ساختار حکومتی که بتواند حداقل استبداد و حداکثر آزادی را به ارمغان آورد. آزادی لازمه پیشرفت عقل بود و عقل مبنای شکل‌گیری هویت انسان جدید تلقی می‌شود. بدیهی است استبداد بر هم زنده این ارتباط معقول تلقی شود.

طبیعت‌گرایان یکی دیگر از پارادایم‌های غالب عصر روشن‌یابی بود که در شکل‌گیری آراء و نظریات متفکرین این عصر و تثبیت و قوام «انسان مدرن» تأثیر بسزای گذاشت. نگاه جدید به طبیعت و انسان از سوی مقوم تساوی و فردگرایان انسان و از سوی دیگر امکان تلاش برای سیطره بر طبیعت و برپا یی نظم اجتماعی مورد نظر انسان را نیز فراهم می‌نمود. مفهوم نو طبیعت، مستقیم فردیت، استقلال و جزئی بودن اجسام نیز می‌شد، نکته‌ای که در جهت تقویت انسان متعقل قائم به خویش مشخصاً گام برمی‌داشت.

۳- ایران و مدرنیته

الف) از حیرت زدگی تا قانون‌گرایان

هر چند از منظر تاریخی مصادیق وجود یا عدم وجود فردگرایان در جوامع گوناگون از جمله در ایران را می‌توان مورد توجه قرار داد اما از آنجا یی که فردگرایان و حقوق فردی در این تحقیق به عنوان دستاورد مدرنیته مورد گفتگو قرار می‌گیرد ضرورت طرح نظری این مفهوم در دور اند گذشته چندان موضوعیت نمی‌یابد.

به قدرت رسیدن خاندان قاجار را می‌توان تقریباً مصادف با اوج تغییر و تحول در حوزه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در عصر نوین دانست. اما علی‌رغم اینکه در اوایل دوران قاجار ظهور نسیم این تحولات در ذهن نخبگان سیاسی ایران قابل مشاهده است لیکن منظر و نگاه نخبگان و مردم ما بر اساس همان پارادایم «قدرت استبدادی» کماکان در جریان بود. «فتحعلی شاه وقتی نمایندگان خارجی از تمدن و آزادی سخن می‌گفتند سخت به تعجب می‌افتاد و دلش برای حکامی که آزادی قلع و قمع زیر دستان را نداشتند می‌سوخت و سلیمان خان قاجار را به آنان نشان می‌داد و می‌گفت: آزادی یعنی این که اراده کنم هم اکنون

می‌دهم او را گردن بزنند^۹» نکته حائز اهمیت در چنین رویکردی آن است که سلیمان خان وزیر نیز در برابر چنین نگاهی بر این باور بود که «میل، میل، میل قبله عالم است» اغلب چنین گفتاری را تنها بیان کننده تصویری از چاپلوسی یک وزیر تلقی می‌نمایند، اما بنا بر باور این پژوهش این برداشت تمامی واقعیت این موضوع را نمی‌تواند بازگو کند. چنین نگاه تقلیل گرایانه ای از این نکته باز می‌ماند که نگاه به انسان و جهان می‌تواند باوری را به وجود آورد که حکایت از وجود نوعی معرفت خاص نسبت به جایگاه انسان است. چنین برداشت‌ها یید به این نکته بی توجهند که برای کنش شخص حاکم تنها نوعی مفهوم سلطه جو یید و قدرت طلبی موضوعیت ندارد بلکه باوری هستی شناسانه از مفهوم خود و دیگری به شکل برجسته ای در ذهن او و جامعه حضور و تداوم دارد.

چالش اساسی چنین پارادایمی با رویاروی ما با وجوه مختلف مدرنیته آغاز شد. جنگ ایران و روس در واقع مهمترین ضرب شستی است که دستاوردهای دنیای مدرن به ما نشان داد. عباس میرزا سردار شکست خورده در دیدارش با ژوبر نماینده دولت فرانسه حیرت خود از دنیای پیرامونش را به وضوح بیان می‌کند. این حیرت در ذهن نخبگان درباری تداوم یافت^{۱۰}. صدر اعظمی چون امیرکبیر را آزار داد و به واکنش واداشت، روشنفکرانی چون میرزا آقاخان کرمانی را به مسلخ برد و در نهایت به قرائتی جدید از قدرت سیاسی منتهی شد. «حکومت مشروطه» ساختار جدیدی که بر پایه دم مسیحا یید «قانون» و بهره‌گیری از معجزه نهادهای جدید قدرت از هیات وزیران گرفته تا مجلس و سایر نهادهای مدرن دیگر، می‌بایست عقب افتادگی یک تمدن دیر پا را درمان کند. در واقع پیش از الگوهای توسعه در قرن بیستم ما به سراغ درمان رفته بودیم. اما آیا پتانسیل لازم برای تغییر و تحولی عظیم در مقاطع مورد نظر در دسترس بود؟ واقع امر این است که این انقلاب نمی‌توانست به لایر عملا تصور فرد را از فطرت خویش، از جامعه و از جایگاهش در اجتماع متحول کند.

ب) مدرنیزاسیون و تمدن بزرگ

به قدرت رسیدن رضا شاه تجربه خوشایندی به نظر می‌رسید که آشوب‌ها، ناامنی‌ها، وضعیت اسفبار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را می‌توانست بهبود ببخشد. این بار حتی در ذهن نخبگان این مرز و بوم آزادی و برابری دغدغه‌ای بود که وضعیت آشفته ایران نباید چندان به آن می‌اندیشید. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که جاذبه های توسعه اقتصادی در ایران و اغ لب کشورهای جهان سوم از جمله نکاتی بوده است که فرهنگ سیاسی نوین مورد نیاز این جوامع را با چالش‌های اساسی روبرو گردانیده است. میرزا علی اکبر خان داور یکی از چهره های برجسته دوران رضا شاهی تنها راه نجات ایران را آن می‌دانست که «اراده محکمی اداره امور ایران را به دست گیرد و اختلافات امروزه را با حکم می‌کنم از بین بردارد.... ایرانی به میل آدم نخواهد شد، سعادت را بر ایران تحمیل باید کرد^{۱۱}» این طرز استنباط خود در عمل نوعی قیومیت اجتماعی و سیاسی را به دنبال دارد که بر پایه آن، فرض بر این است تا زمانی که رشد فکری آحاد ملت را بدان جا نرسانده است که استحقاق کسب مشارکت سیاسی را داشته باشند، دستگاه یا فردی این وظیفه را به دوش می‌گیرد که با تسلط کامل بر امور عهده دار اراده ملی نیز می‌گردد. با توجه به چنین ذهنیتی علی رغم پر رنگ شدن نقش‌های مدرن عملاً ذهنیت مدرن به حاشیه کشیده می‌شود و هسته

اصلی قدرت سیاسی مدرن که بر اساس فردگرا بی مدرن بنا گردیده است به فراموشی سپرده می‌شود. امری که متأسفانه کماکان در عرصه قدرت سیاسی در ایران به وضوح به چشم می‌خورد. مخبرالسلطنه هدایت که مدت شش سال عهده دار پست نخست وزیری دوران پهلوی اول بود، در مورد سال‌های پس از ۱۳۰۸ در خاطرات خود به بسته شدن فضای سیاسی و گسترش جاه طلبی رضا شاه اشاره می‌کند و معتقد است «به جا بی رسیده بودیم که شاه توقع داشت او را پرستش کنند»^{۱۲} بنابراین علی رغم اینکه پهلوی اول پس از کسب قدرت در سال ۱۳۰۴ تلاش وافر را صرف مدرن سازی جامعه نمود و برخی از خواسته‌های عینی مشروطه (آموزش، دیوان سالاری جدید، و...) را تحقق بخشید اما در این رهگذر نه تنها اقدامی در جهت شکستن پارادایم سنتی قدرت استبدادی از خود نشان نداد بلکه بر عکس تمامی کنش‌های سیاسی و اجتماعی وی به خصوص پس از سال‌های ۱۳۱۰ به تثبیت مناسبات قدرت کهن معطوف گشت.

تثبیت قدرت محمد رضا شاه به خصوص پس از کودتای ۱۳۳۲ حکایت از آن داشت که تفاوتی ماهوی بین پدر و پسر در خصوص روند تحولات اجتماعی و سیاسی ایران وجود ندارد. حتی به گفته برخی از محققین محمد رضا شاه متأسفانه از زیرکی و مدیریت خاص پدر نیز چندان بهره‌ای نبرده بود. در این میان نکته مهم این بود، هر چند که در این دوران روند مدرنیزاسیون با شتاب بیشتری طی شد و طبقات و قشرهای اجتماعی جدید از گسترش و قوام بیشتری برخوردار شدند اما در مناسبات قدرت تغییر چندانی به وجود نیامد. بنابراین شکاف بین حکومت و جامعه بیش از پیش گسترش یافت. در این دوران نیز عدم تغییر تصور فرد نسبت به خود و جامعه و قدرت تداوم یافت. شعار «خدا، شاه، میهن» خود نماد همین عدم تغییر است. محمد رضا شاه نتوانست به عنوان نخبه‌ای که نگاهی متفاوت به قدرت سیاسی دارد خود را به جامعه معرفی نماید. از سوی دیگر جدا از شاه و نخبگان سیاسی حاکم علی رغم مخالفت‌ها بی که نسبت به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه به وقوع می‌پیوست، جامعه پذیری اولیه کماکان دست‌خوش تحولی اساسی نشده بود زیرا در واقع به شکل عام عاملان جامعه پذیری از نرم‌ها و روش‌های سنتی تبعیت می‌کردند. فرهنگ پدر سالار در حوزه قدرت سیاسی در یک تعامل دو سویه حکایت از لادلالالارلالالار لادر سالار در مناسبات اجتماعی و لاردی جامعه می‌کرد.

از سوی دیگر تحولات انجام شده و شاخص‌های مختلف توسعه (آموزش، میزان شهرنشینی) حکایت از آن دارد که کماکان جامعه ایران با مشکلات جدی دست به گریبان است. بنا بر آمار موجود سطح سواد^{۱۳} در بین عامه مردم بسیار پایین بود. از کل جمعیت ایران در سال ۵۳۵۵ یعنی ۲۷/۱۱۳/۰۰۰ نفر تنها ۱۲/۸۷۷/۰۰۰ نفر با سواد بودند یعنی کمتر از ۵۰ درصد. بنا بر همین آمار از مجموع ۱۳/۱۸۷/۰۰۰ نفر جمعیت زن در سال ۵۳۵۵ تنها ۴/۹۷۹/۰۰۰ (چیزی در حدود ۲۸ درصد) نفر از نعمت سواد خواندن و نوشتن برخوردار بودند. بر اساس همین داده‌ها اکثریت جمعیت کشور را روستاییان تشکیل می‌دادند. بنابراین در این مقطع کماکان می‌توان گستره وسیع تفکر سنتی و پدرسالار و عدم شکل‌گیری فردگرا بی و حقوق فردی را در بین مردم مشاهده کرد.

ج) انقلاب شور و شعور جدید

انقلاب اسلامی ایران با خواسته‌های متفاوت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود نمادی از خواست تغییر و تحول در جامعه پیشین است. آرمان‌ها یی چون آزادی، برابری و استقلال نشان از اراده و خواستی دارد که فرا روی یک ملت قرار می‌گیرد. اما هیچ یک از این نکات باعث نمی‌شود آرمان‌های انقلابی را با واقعیت‌های اجتماعی و پتانسیل‌های فرا روی جامعه همسان و همانند بپنداریم. نقصانی که در جامعه پذیری سیاسی در بحث چارچوب‌های نظری از آن یاد کردیم، یعنی تأخر زمانی و ناکار آمدی عاملان جامعه پذیری سیاسی از جمله نکاتی است که این امکان را فراهم می‌کند برخی از مناسبات اجتماعی و سیاسی پیشین و همچنین قوانین عینی گذشته پس از انقلاب، در قالب دیگری تداوم یابند. بنا بر این علی ... اینکه آزادی یکی از مفاهیم برجسته انقلاب محسوب می‌شود، نباید پنداشت منظر فکری نخبگان سیاسی پس از انقلاب و همچنین توده مردم الزاماً به سوی آن گام بر می‌دارند. وجه دینی انقلاب که خود پیروی از رجال مذهبی را برجسته می‌کند و از سوی دیگر فضای انقلابی که موضوعیت یک رهبر فرهمند را شدت می‌بخشد، از جمله عوامل مهمی است که مبحث فردگرا یی و توجه به حقوق فردی را در دهه اول انقلاب با چالش جدی روبرو می‌گرداند. قدرت رهبری و اقتدار فرهمندانه که رهبر فرهمند اغلب برای خود ترسیم می‌کند مبتنی بر پذیرش و قبول وظیفه و رسالت او از سوی عامه است. این پذیرش حلقه ارتباطی مهمی است که این امکان را به فرد فرهمند می‌دهد تا خواسته‌ها، برداشته‌ها و وظایف خود را به عنوان امری ضروری و گاه مقدس به پیروان خود انتقال داده و پیروان نیز فارغ از هر گونه تمایلات شخصی و فردی حتی بر علیه منافع فردی خود به آن تن در دهند. «عشق و نفرت»^۱ مهمترین مکانیسمی که امکان بسیج و ارتباط بین توده و رهبر را فراهم می‌نماید. در این شرایط عاملان مدرن جامعه پذیری سیاسی چون احزاب، تشکل‌های سیاسی و به حاشیه می‌روند و موضوعیت خود را عملاً از دست می‌دهند. مکانیسم‌های احساسی بر مکانیسم‌های عقلانی پیشی می‌گیرند و در این رهگذر هویت فردی به فراموشی سپرده می‌شود. همان‌گونه که ماکس وبر اشاره دارد نکته اساسی که در خصوص اقتدار رهبر فرهمند مطرح می‌گردد این است که اقتدار فرهمندانه ماهیتاً بی ثبات است. اقتدار چنین رهبری که متعلق به دوره گذار است، نمی‌تواند دیرپا باشد. بدینسان این اقتدار فرهمندانه پس از رهبر فرهمند به نخبگان، ساختارها و نهادهای دیگر منتقل می‌گردد.

پایان جنگ ایران و عراق و در گذشت آیت ا ... خمینی از سو یی و تغییر در نظام بین المللا و گسترش پدیده جهانی شدن را از سوی دیگر می‌توان شروع فصل جدیدی در حیات انقلاب اسلامی ایران دانست. در واقع برخی از آرمان‌های اصلی انقلاب که به خاطر مشکلاتی چون فضای سیاسی و ایدئولوژیک حاکم، تعارضات سیاسی، جنگ و فضای بین‌المللی موقتاً به فراموشی سپرده شده بودند مجدداً مطرح شدند. سال‌های پس از ۱۳۶۸ ضمن به چالش کشیدن و کمرنگ نمودن موانع یاد شده، با تغییر و تحول در حوزه اقتدار سیاسی توأم شد. چنین فضا یی ضرورت طرد مباحث سیاسی در حوزه حکومت و جامعه را از نو آغاز نمود؛ لذا بی دلیل نبود که دگر بار از سال ۱۳۶۸ به بعد به شکل گسترده‌ای ذهن حکومت گران، نخبگان، روشنفکران و عموم مردم به سوی مکانیسم‌های قدرت سیاسی، حقوق فردی، حقوق شهروندی و اجتماعی معطوف گردید. تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در داخل با تنش زدا یی در سیاست خارجی توأم گردید و در عین حال فضای جهانی شدن

نیز در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبعات خود را بر تحولات داخلی به شکل گسترده‌ای بر جای می‌گذاشت.

داده‌ها حکایت از آن لالالالالالالاسلامی علی رغم فراز و نشیب‌های گوناگون در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی نه تنها ساختارها را با چالش روبرو گردانیده، بلکه باعث شده با به «چالش کشیدن باورها» و «متحول شدن خواسته‌ها» و «ظهور پیش نیازها» تصویری از «انسان مدرن» نه تنها ظهور ذهنی بلکه ظهور عینی خود را بر جامعه تحمیل کند. بدین صورت به نظر می‌رسد که جامعه ما در «زمانی متفاوت» قرار گرفته که بیشترین پتانسیل را برای توسعه دارا می‌باشد.

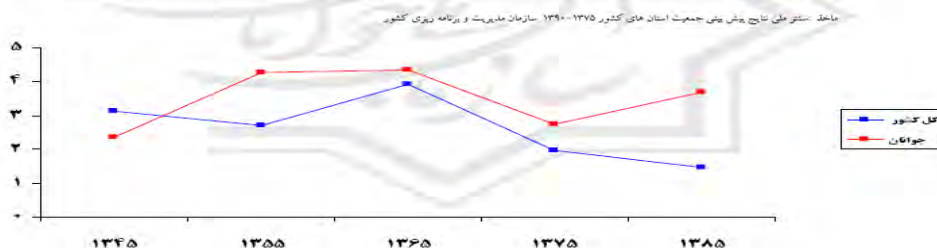
لالالالالی متفاوت برای توسعه سیاسی

الف) نسل جوان (تجربه‌ای متفاوت)

در مباحث گذشته اشاره شد که تغییر تصور فرد از خود و جامعه‌اش یکی از عناصر اصلی دگرگونی‌های عصر مدرنیته محسوب می‌شود. از جمله گروه‌ها پید که به جهت ویژگی‌های چون پویا پید، جسارت، میل به تغییر و پیشرفت، ظرفیت و توان لازم برای یادگیری پتانسیل اساسی تحول اجتماعی در یک جامعه را به خود اختصاص می‌دهند، نسل جوان است. جامعه ایران جامعه جوانی بوده و آمار حکایت از آن دارد که نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت ایران را افراد زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. ویژگی‌های فکری و رفتاری این نسل می‌تواند شناسه مهمی برای تحولات اجتماعی و سیاسی ایران به لالاب آید. جامعه جوانی که بنا بر آمار موجود (جدول شماره یک و دو و سه) نه تنها به جهت رشد کمی بلکه به جهت کیفی با رشد چشم گیر سواد -از سطح پایین تا سطوح بالای آموزش عالی- در دهه اخیر نیز روبرو بوده است.

تجزیه ملی جوانان
ساختارهای اجتماعی
روند تغییرات رشد جمعیت کل کشور و جوانان از دهه ۸۵ تا ۸۵

سال	جمعیت کشور	متوسط نرخ رشد	جمعیت جوانان	نرخ رشد
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	-	۴۴۳۵۵۰۴	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۳,۱۳	۵۶۰۲۴۴۴	۲,۳۶
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲,۷۱	۸۵۰۴۰۶۵	۴,۲۶
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳,۹۱	۱۳۰۱۳۳۲۹	۴,۳۵
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱,۹۶	۱۷۰۴۶۶۸۳	۲,۷۴
۱۳۸۵	۶۹۴۷۷۳۵۲	۱,۴۷	۲۴۴۷۴۷۸۰	۳,۶۹



گزارش ملی جوانان
ساختی های اجتماعی

تعداد دانشجویان طی سالهای تحصیلی ۷۶-۷۵ الی ۸۲-۸۱

سال	عنوان	کل دانشجویان (دولتی و غیردولتی)	زن	مرد	کل	جمعیت جوان
۷۵	دولتی	۱۱۹۲۵۳۸	۲۰۹۱۶۳	۳۶۹۹۰۷	۵۷۹۰۷۰	۱۷۰۴۶۶۸۱
	آزاد		۲۵۰۵۹۶	۳۶۲۸۷۲	۶۱۳۴۶۸	
۷۶	دولتی	۱۲۸۴۶۶۸	۲۲۸۶۸۷	۳۸۶۶۹۳	۶۱۵۳۸۰	۱۷۸۴۸۳۳۳
	آزاد		۲۶۳۲۲۶	۳۹۶۰۶۲	۶۵۹۲۸۸	
۷۷	دولتی	۱۳۰۸۱۵۰	۲۶۷۶۵۰	۳۷۱۲۶۳	۶۳۸۹۱۳	۱۸۷۰۲۹۱۲
	آزاد		۳۰۰۴۴۲	۳۶۸۷۹۵	۶۶۹۲۴۷	
۷۸	دولتی	۱۴۰۴۸۸۰	۲۹۹۳۳۳	۳۷۹۲۱۹	۶۷۸۵۵۲	۱۹۵۸۳۲۵۴
	آزاد		۳۳۶۶۲۰	۳۸۹۵۸۸	۷۲۶۲۲۸	
۷۹	دولتی	۱۵۶۹۷۷۶	۴۲۶۴۴۲	۳۸۷۱۸۵	۷۲۳۶۲۷	۲۰۴۴۳۸۰۲
	آزاد		۳۷۶۰۰۹	۴۲۸۶۲۰	۸۰۴۶۲۹	
۸۰	دولتی	۱۵۶۶۵۰۹	۴۷۸۴۶۵	۳۸۱۵۰۵	۷۵۹۹۷۰	۲۱۰۳۱۶۰۷۹
	آزاد		۳۹۰۰۶۸	۴۱۶۵۷۱	۸۰۶۶۳۹	
۸۱	دولتی	۱۶۷۳۷۵۷	۴۱۲۸۲۸	۳۱۶۷۱۹	۸۰۹۵۴۷	۲۱۰۹۴۹۰۸۵۷
	آزاد		۴۳۵۴۴۵	۴۲۸۷۵۵	۸۶۴۱۹۰	

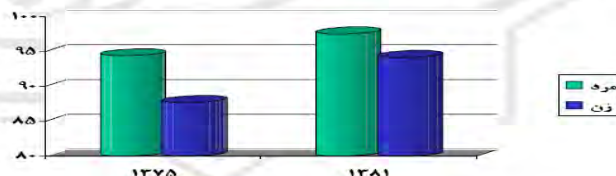
مأخذ: سالنامه آماری کشور - مرکز آمار ایران - ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱

گزارش ملی جوانان
ساختی های اجتماعی

سهم جوانان باسواد به تفکیک جنس

عنوان	جمعیت جوان	جوانان باسواد	درصد
۱۳۷۵	مرد	۸,۵۱۲,۰۰۰	۹۴,۴
	زن	۸,۵۳۵,۰۰۰	۸۷,۷
۱۳۸۱	مرد	۱۱,۰۴۹,۴۵۷	۹۷,۵۳
	زن	۱۰,۹۰۰,۴۰۰	۹۴,۱۶

مأخذ: نمونه گیری اشتغال و بیکاری - مرکز آمار ایران ۲- پیش بینی روند جمعیت دفتر اقتصاد کلان



از منظر جامعه شناسی، افکار و داده‌های اجتماعی جدا از منظر تفکری آن برای وجود و تداوم خود در جامعه و تبدیل به هنجار و کنش اجتماعی از دلایل گوناگونی تبعیت می‌کنند. در جای که مکانیسم‌های اجتماعی موجب افزایش احساس امنیت در بین شهروندان شود، معمولاً پیروی از هنجارهای مطلق کم رنگ‌تر می‌شود به جهت منطقی در چنین فضای ضمن تغییر کنش‌های سنتی و مذهبی رویکردهای عقلی مبانی رفتار فرد را سامان می‌دهد. بنا بر یکی از پیمایش‌های سازمان ملی جوانان در خصوص این سوال که «پایبندی به اخلاقیات انسان را از دین بی‌نیاز نمی‌کند»^۱ در مجموع ۳۳/۹ درصد جوانان با چنین برداشتی موافق نبوده‌اند. این آمار برای شهر مذهبی چون قم ۳۰ درصد و برای شهری چون تهران ۴۴/۴ درصد را نشان می‌دهد.

در پاسخ پرسشی دیگر نوع رابطه نسل دینی به مباحث دینی را به خوبی نشان می‌دهد، پاسخ دهندگان در خصوص سوال «شما خودتان را تا چه حد فردی مذهبی می‌دانید»^۱ در مجموع ۵۸/۸ درصد در حد متوسط و تنها ۷/۶ درصد در حد خیلی زیاد خود را فردی

مذهبی می‌دانند. همان‌گونه که جدول شماره چهار نشان می‌دهد این آمار حتی در شهرهای مذهبی و غیر مذهبی چندان تفاوت چشم‌گیری را نشان نمی‌دهد. تنها در پاسخ خیلی کم تا کم بین مقرهش (۶/۴) و تناره (۱۸/۳) تفاوت چشم‌گیرتر است.

سواش: لما خودتان را تا چه حد فردی مذهبی می‌دانید (در؟ شماره چهار)

مجموع	خیال کم تا کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱۱/۳	۱۱/۸	۲۹/۳	۷/۶	
۶/۴	۴۹/۱	۳۵/۱	۹/۵	
۱۳/۶	۵۳/۸	۲۷/۱	۵/۵	
۱۸/۳	۵۰/۷	۲۵/۱	۶	

همچنین آمار نشان می‌دهد، کنش‌های مذهبی فردی در جوانان به گونه‌ای دیگر تعریف می‌شود. به عنوان مثال تنها در مجموع ۳۱/۴ جوانان پاسخ دهنده در کل کشور خود را به شکل زیاد مقید می‌دانند که نمازشان را به موقع بخوانند. این آمار برای شهر مذهبی چون قم به ۵۰/۷ درصد و برای شهری چون تهران ۲۴/۶ و کرمانشاه ۱۳/۲ درصد می‌رسد. همان‌گونه که جدول شماره پنج نشان می‌دهد، حضور در مسجد که نمادی از فعالیت دین‌داری محسوب می‌شود و پس از انقلاب نیز به عنوان سنگر و مقر اصلی حفظ داده‌های مذهبی و انقلابی بر فعالیت آن بیش از پیش تاکید شد، حتی در شهرهای مذهبی چون مشهد و قم نیز مورد اقبال نسل جوان نمی‌باشد.

سوا... مراسم: لم ترحیم هر چند وقت یک بار به مسجد می‌روید؟^{۱۷} (جدول شماره پنج)

مجموع	هیچ وقت تا بندرت	گاهی اوقات	اکثر اوقات	همیشه
۴۶	۳۶/۴	۴۴	۳/۶	
۳۷/۱	۳۸	۱۹	۵/۶	
۴۹/۱	۳۵/۴	۱۲/۹	۲/۶	
۵۲/۳	۳۲/۸	۱۱	۳/۹	
۵۸/۹	۲۸/۸	۱۰/۷	۱/۶	

آمار مهم دیگری که در خصوص مباحث یاد شده می‌توان به آن اشاره داشت تصور نسل جوان در خصوص گرایش این نسل نسبت به امور مذهبی است. (جدول شماره شش) ۷۲/۷ درصد پاسخ دهندگان بر این باورند که در پنج سال آینده گرایش مذهبی در نسل جوان کاهش خواهد یافت. در شهر مذهبی چون مشهد (۸۱/۶) و قم (۶۸/۷) چنین تصور وجه غالب را به خود اختصاص داده است.

سوال: فکر می‌کنید گرایش جوانان ما در پنج سال آینده نسبت به امور مذهبی چگونه خواهد بود؟^{۱۸} (جدول شماره ۶۶)

مجموع	فرقی نمی‌کند	کمتر می‌شود	بیشتر می‌شود
۱۸/۲	۷۲/۷	۹/۱	
۱۸	۶۸/۷	۱۳/۳	
۱۲	۸۱/۶	۸/۱	
۲۰/۵	۷۰/۷	۸/۸	

نکته دوم در خصوص هنجارهای اجتماعی و مذهبی توجه به زمینه‌های کارکردی آن‌ها می‌باشد. با توجه به تغییر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قاطعیت و کاربرد چنین هنجارها یی کمتر از گذشته است. به عنوان نمونه «خانواده زمانی واحد اقتصادی اصلی بوده اکنون زندگی کاری مردم جوامع پیشرفته صنعتی کاملاً خارج از خانه است. لاه همین ترتیب بیشترین آموزش هم در خارج از خانواده صورت می‌پذیرد»^{۱۹}. بدینسان دو اتفاق عمده در جامعه رخ می‌دهد. خارج شدن همسر و فرزندان از محیط خانواده و درگیر شدن آن‌ها در امور اقتصادی زندگی، از سو یی موجب کاهش اقتدار مادی پدر خانواده و سیطره او در تمامی مسائل می‌شود و از سو یی دیگر ذهنیت اعضا خانواده تحت تأثیر تجربیات، اطلاعات، نیازها و آموزش جدید نمی‌تواند بر پایه پارادایم‌های سنتی گذشته تداوم یابد. حقوق فردی جدید از مهمترین مباحثی است که ذهن زو و فرزندان را به خود مشغول می‌کند (مباحثی چون حق انتخاب همسر، زندگی مجزا از خانواده، انتخاب شغل مورد نظر، ارتباطات شخصی خاص، پوشش و...) چنین افرادی در پایه ریزی کانون‌های خانوادگی جدید با بهره‌گیری از مناسبات جدید، رفتار فردی و اجتماعی جامعه پذیری جدیدی را تولید می‌کنند. نکته مهم دیگر در خصوص چنین تجربه زندگی‌ای مطلبی است که در جامعه شناسی از آن به عنوان مسئله «همسانی شناخت»^{۲۰} یاد می‌کنند. از آنجا یی که فهم انسان‌ها از خود و جامعه‌شان با تجربه روزانه آن‌ها همسان می‌گردد در دنیای کنونی تجربه زندگی روزانه مردم، اساساً با نوعی از تجربه زندگی که در آن مناسبات سنتی و دینی خاص جاری بود متفاوت است. این نو تفاوت در کاهش تأخر زمانی و مبحث جامعه پذیری کاملاً تأثیر گذار نسبتاً عصرالاحالات که موجب بهره‌گیری از داده‌های فکری و عملی دیگران را به رویت اغلب افراد جامعه می‌رساند، سبب می‌شود، قطعیت و تصلب داده‌های فکری و عملی در کنش رفتاری جامعه دست‌خوش دگرگونی و تحول شود. بنا بر یک نظر سنجی در خصوص ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان^{۲۱} که از جوانان ۵۵ تا ۹ ساله به عمل آمده است ۴۴/۸ درصد پاسخ دهندگان با معاشرت و دوستی دختران و پسران قبل از ازدواج موافق بوده‌اند. جالب توجه است که در این نظر سنجی ۳۴/۷ درصد پاسخ دهندگان در خصوص خواستگاری دختر از پس نظری موافق تا مردد را ابراز داشته‌اند. این در حالی است که تنها در دو دهه گذشته چنین امری به عنوان یک امر مذموم تلقی می‌شد. در همین نظر سنجی ۹۱/۸ درصد پاسخ دهندگان مخالفت خود را با تعدد زوجات که یکی از رفتارهای سنتی پذیرفته شده جامعه در گذشته محسوب می‌شد و از پشتیبانی آموزه‌های دینی هم برخوردار بود، اعلام داشته‌اند. داده‌ها و آمارهای عنوان شده هر یک به نوعی ضمن بیان تغییر و کاهش گسترده هنجارها و سنت‌های رفتاری گذشته در نسل جوان، تبعیت از هنجارها و ارزش‌های مورد پسند و مورد نظر این نسل را نیز به گونه‌ای دیگر روشن می‌کند. تمایل به چنین رویکردی خود به معنی شکل‌گیری و گسترش حوزه فردی و خصوصی در جامعه است. جدول شماره هفت^{۲۲} و هشت به خوبی نشان می‌دهد که رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه آماری مورد مطالعه (تهران) حکایت از آن دارد که حتی در انجام اعمال مذهبی و دینی تمایل به رفتاری که از وجه جی بیشتری پیروی می‌کند، از استقبال کمتری برخوردار است. به عنوان نمونه تمایل زیاد به شرکت در دعای کمیل (۶/۸) به عنوان یک حرکت مذهبی جمعی نسبت به پرداخت فطریه (۹۰/۸) که حرکتی بیشتر فردی است، بسیار کمتر می‌باشد.

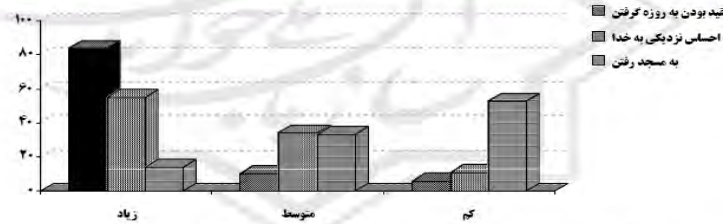
مقایسه برخی ارزش‌های مذهبی در سال ۱۳۷۴ (جدول شماره هفت)

نامشخص	غیر مسلمانان	زیاد	گاهی	عدم گرایش	بندرت	هرگز	
	%۴	۱۸	۳۵/۲	۴۵/۹	۷۷/۱	۱۸/۸	تا چه حد به مجالس روضه خوانی می‌روید
	%۴	۱۶	۲۳/۶	۵۹/۴	۲۴/۸	۳۴/۶	تا چه حد برای انجام نماز جماعت به مسجد می‌روید
	%۴	۶/۸	۱۷/۸	۷۴	۷۷	۴۷	تا چه حد در مراسم دعای کمیل شرکت می‌کنید
	%۴	۴۲/۳	۳۳/۵	۲۳/۴	۱۵/۹	۷/۵	تا چه حد نذر و نیاز می‌کنید
	%۴	۰/۸	%۴	۳/۶	%۸	۲/۸	تا چه حد فطریه پرداخت می‌کنید

گزارش ملی جوانان - نایج نظرسنجی

۱- اعتقادات دینی - نظر جوانان پیرامون اعتقادات دینی

متغیر	زیاد		متوسط		کم	
	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۸۰	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۸۰	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۸۰
مقید بودن به روزه گرفتن در ماه رمضان	۸۳/۷	۸۸/۶	۱۰/۳	۷/۲	۶	۴/۲
احساس نزدیکی به خدا	۵۴/۸	۷۶/۸	۳۴/۲	۲۰/۳	۱۱	۲/۹
به مسجد رفتن	۱۴/۱	۲۶/۲	۳۳/۲	۳۵/۳	۵۲/۷	۳۸/۵



ماخذ: ارزشها و نگرشهای ایرانیان (موج دوم)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲

گزارش ملی جوانان - نایج نظرسنجی

۶- الگوها و چهره‌های مورد علاقه جوانان



ماخذ: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران - سازمان ملی جوانان



میزان اعتماد به اقشار مختلف جامعه

۷- اعتماد به اقشار مختلف

متغیر	زیاد		متوسط		کم	
	سال ۲۹۶۱۵	سال ۳۰ به بالا	سال ۲۹۶۱۵	سال ۳۰ به بالا	سال ۲۹۶۱۵	سال ۳۰ به بالا
معلمان	۷۴/۹	۸۰/۶	۱۹/۱	۱۵/۶	۳/۸	۳۰/۸
استادان	۶۷/۶	۷۴/۷	۲۴/۴	۲۰/۸	۴/۵	۴/۵
ورزشکاران	۵۸/۷	۶۶/۱	۳۱/۱	۲۸/۲	۵/۷	۱۰/۱
پزشکان	۵۷/۱	۵۴/۹	۳۲/۱	۳۲/۲	۱۲/۹	۱۰/۸
پلیس راهنمایی	۵۵/۱	۵۶/۲	۲۷/۳	۲۷/۷	۱۶/۱	۱۷/۶
نیروی انتظامی	۵۴/۵	۵۲/۴	۲۵/۲	۲۹/۲	۱۸/۴	۲۰/۳
دانشجویان	۴۷/۹	۵۸/۹	۳۸/۳	۳۴/۵	۶/۶	۱۳/۸
هنرمندان	۴۵/۵	۵۰/۹	۳۹/۱	۳۸/۶	۱۰/۵	۱۵/۴
قضات	۳۸	۲۸/۶	۳۴/۱	۳۷/۳	۲۹/۱	۲۷/۹
روحانیون	۳۷/۶	۴۶	۳۰/۷	۳۰	۲۴	۳۱/۷
مدیران دولتی	۲۱/۸	۲۳/۱	۴۳/۴	۴۴/۱	۳۲/۸	۳۴/۸
عامه مردم	۱۰/۷	۱۹/۱	۵۷/۹	۵۵	۲۵/۹	۳۱/۳

ماخذ: سازمان ملی جوانان: جوانان و نگاه به آینده.

ماخذ: ارزشها و نگرشهای ایرانیان (موج دوم)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲

همچنین نظر سنجی‌های (جدول شماره نه) اخیر به روشنی نشان می‌دهد که نه تنها تمایل به گروه‌های مرجع از تکثر و تنوع بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شده است، بلکه تمایل به گروه‌های مرجع جدید که از ذهنیت و الگوهای نوین پیروی می‌کنند، نسبت به گروه‌های مرجع سنتی بسیار بیشتر است. جالب توجه است که با توجه به فضای انقلابی و مباحثی که در این خصوص قبلاً بدان اشاره کردیم، حتی میزان اعتماد به این گروه‌ها نیز دستخوش تغییر و تحول بزرگی شده است به گونه‌ای که از دوازده قشر اعلام شده (جدول شماره ده) روحانیت در مرتبه دهم قبل از مدیران دولتی و عامه مردم قرار گرفته‌اند. آمار دیگری در این خصوص نشان می‌دهد^{۲۳} که از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۱ نه تنها علاقه به روحانیت و احترام به زن با پوشش چادر کاهش چشم‌گیری یافته بلکه عیب بودن عدم رعایت حجاب اسلامی نیز کاهش چشم‌گیری را نشان می‌دهد. (جدول شماره یازده) این رویکرد به خوبی در تغییر چهره مدیریت‌های کلان کشور از جمله ریاست مجلس و ریاست جمهوری نیز به خوبی قابل ارزیابی است. در حالی که در دهه اول و دوم تنها روحانیت به عنوان شاخص کسب چنین مناصبی معرفی می‌شد اما در حال حاضر چنین تصویری حتی با برداشتی متضاد روبرو شده است. جدول شماره ۱۱

۱۳۷۱	۱۳۶۵	
۴۳/۲	۸۹/۳	اعتقاد مردم به دین
۱۱/۵	۸۶/۲	عیب بودن عدم رعایت حجاب
۳۶/۸	۸۱/۸	احترام به چادری
۳۲/۳	۸۶/۷	علاقه به روحانیت

جالب توجه است که در کنش‌های سیاسی نیز که گروه‌های مرجع مدرن فعالیت گسترده‌ای داشته‌اند، بیش از گروه‌های سنتی مورد توجه قرار گرفته‌اند. «یک نظر سنجی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که دانشجویان و روشنفکران ۲/۴ برابر روحانیون گروه مرجع رای دهندگان بوده‌اند و این نسبت در کسانی که به آقای خاتمی رای داده‌اند بیش از ۴ برابر بوده است»^{۲۴} تجربیات عینی نیز نشان می‌دهد که نسل جوان در حوزه‌های مختلف رفتاری و پرورشی از وضعیت بسیار متفاوتی نسبت به نسل گذشته

برخوردار است. در خانواده معمولاً در صورت عدم پذیرش خواست فرزندان موضوعیت این خواست موجب بروز چالش‌های خانوادگی عمده‌ای می‌شود که در گذشته تحت تأثیر فرهنگ پدر سالار چندان اثری از آن نبوده است. ذهنیت و درخواست‌های نسل جوان به گونه‌ای در جامعه گسترش یافته که در برنامه‌های اعلامی از سوی نخبگان و سیاستمداران توجه بدان‌ها به اصلی ضروری تبدیل شده است. در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری یک از محورهای اساسی کاندیداها تأکید بر خواست نسل جوان، مسئله زنان، و رعایت حقوق و حریم فردی بوده است.

ب) نشانگان توسعه

تقریباً تمامی نظریه‌های نوسازی در توجه به شاخص‌ها یی چون آموزش، میزان شهرنشینی به عنوان نشانگان توسعه اتفاق نظر دارند. در این نظریه‌ها اغلب پایین بودن چنین شاخص‌ها یی به معنی عدم امکان توسعه و یا عدم امکان داشتن پتانسیل لازم برای توسعه معرفی شده است. آمارهای موجود در خصوص شاخص‌های یاد شده از زمان رویاروی ما با مدرنیته حکایت از آن دارد که در شرایط فعلی جامعه نه تنها از خواست تغییر بلکه از پتانسیل لازم برای این تغییر برخوردار گشته است. بنا بر آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران از ۶۷/۴۷۷/۵۰۰ نفر جمعیت کشور در سال ۱۳۸۳ ۴۴/۷۷۱/۶۴۶ نفر را جمعیت شهری و ۲۲/۷۰۵/۵۴۴ نفر را جمعیت روستا یی تشکیل می‌دهد. بر اساس همین آمار ۷۷/۱ درصد جمعیت فعال انسانی در بخش خدمات و صنعت مشغول فعالیت می‌باشند. طبیعی است که دو بخش صنعت و خدمات نشان از تغییر در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه داشته است. فعالان در این دو حوزه با توجه به تجربه متفاوت کاری و زندگی، ارتباطات اجتماعی، بهره‌گیری از سطح سواد و اطلاعات مختلف، آشنا یی به حداقل حقوق کاری و فردی و... از کنش اجتماعی و سیاسی کاملاً متفاوتی نسبت به شاغلان در حوزه فعالیت‌های سنتی برخوردارند. حتی می‌توان گفت با توجه به تغییر شیوه تولید بخش کشاورزی، سواد، امکانات زندگی جدید چون ارتباطات و... فعالان در این حوزه (۲۲/۹ درصد) نیز محدود به روش سنتی تولید و مناسبات تولیدی آن و در نتیجه تبعات اجتماعی و اقتصادی خاص آن در حال حاضر همچون گذشته نمی‌باشند.

سطح سواد نیز از جمله شاخص‌های مهمی است که می‌تواند بسط داده‌های ذهنی و فهم بیشتر از خود و جامعه را به دنبال داشته باشد. یکی از ویژگی‌های مهم‌ان‌سان مدرن آگاهی و شعور فردی است که به شکل گسترده‌ای تحت تأثیر آموزش و پرورش یک کشور است. چنین توانی در شکل دهی فردیت فرد نقش اساسی داشته و دارد. در زمان رویاروی ما با مدرنیته هیچ سیستم آموزشی مدرنی که بتواند به شکل گسترده به آموزش عمومی مردم بر اساس نیازهای عصر اهتمام ورزد وجود نداشت. اولین اقدام در این راستا که با اعتراض قشرهای سنتی و برخی از علما مواجه گردید، در دوران مشروطه تحقق یافت که در نهایت به تاسیس وزارت آموزش و پرورش منتهی شد. جامعه ایران که خواست تغییر و تحول گسترده‌ای را داشت در سال ۱۳۰۹ تنها ۵۵۰ هزار دانش آموز در مدارس ابتدا یی و متوسطه داشت. که از این تعداد تنها ۳۵ هزار نفر را زنان تشکیل می‌داد^{۲۰}. در اوج تلاش

برای بازسازی «تمدن بزرگ» در سال ۵۳۵۵ از مجموع ۲۷/۱۱۳/۰۰۰ جمعیت کشور تنها ۱۲/۸۷۷/۰۰۰ نفر یعنی کمتر از نیمی از جمعیت را باسوادان تشکیل می‌دادند.

جمعیت و تعداد باسوادان بر حسب جنس (سند شماره دوازده)

کل جمعیت	کل باسوادان	کل مردان	کل مردان باسواد	کل زنان	کل زنان باسواد
۱۳۴۵	۵۵۵۶۰۰۰	۱۰۰۲۳۰۰۰	۳۹۲۸۰۰۰	۹۳۴۸۰۰۰	۱۶۲۸۰۰۰
۱۳۵۵	۲۷۱۱۳۰۰۰	۱۳۹۲۶۰۰۰	۸۱۹۸۰۰۰	۱۳۱۸۷۰۰۰	۴۶۷۹۰۰۰
۱۳۶۵	۳۸۷۰۹۰۰۰	۱۹۸۲۲۰۰۰	۱۴۰۷۸۰۰۰	۱۸۸۸۷۰۰۰	۹۸۳۵۰۰۰
۱۳۷۵	۵۲۲۹۵۰۰۰	۲۶۵۳۴۰۰۰	۲۲۴۶۵۰۰۰	۲۵۷۶۱۰۰۰	۱۹۱۱۸۰۰۰

این رابطه ناخوشایند در خصوص ترکیب باسوادان در بین مردان و زنان به عنوان نیمی از پتانسیل اصلی تغییر و تحول اجتماعی و فرهنگی در جامعه کاملاً مشهود است. این ضعف زمانی دو چندان می‌شود که با توجه به مباحث جامعه‌پذیری، خانواده و زنان به عنوان عنصر اصلی این روند معرفی می‌شوند. بنا بر این آمار از ۱۳/۶۲۶/۰۰۰ نفر جمعیت مرد کشور ۸/۱۹۸/۰۰۰ نفر از نعمت سواد برخوردار بودند. در حالی که از جمعیت زن در سال ۵۳۵۵ تنها ۴/۹۷۹/۰۰۰ نفر (یعنی کمتر از ۴۰ درصد) باسواد بوده‌اند. همان‌گونه که آمار نشان می‌دهد این روند در سال‌های پس از انقلاب روبه‌گسترش و بهبود بوده است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ از میان ۵۲۲۹۴۹۷۹ نفر جمعیت ۶ ساله و بالاتر کشور ۴۱۵۸۲۳۱ نفر باسواد بوده‌اند و بدین ترتیب میزان باسوادی در کشور معادل ۷۵/۵ درصد می‌باشد. از مجموعه باسوادان کشور ۵۴ درصد را مردان و ۴۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. آمار آموزشی حتی در دو دهه پس از انقلاب در مقایسه با دهه سوم تفاوت چشم‌گیری را نشان می‌دهد. در حالی که در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ۱۶۷/۹۷۱ (۱۱۸/۸۸۶ نفر مرد و تنها ۴۹۰۸۵ نفر زن) را نشان می‌دهد. آمارهای سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲، ۹۲۳/۹۱۳ دانشجو در دانشگاه‌های دولتی و ۹۶۸/۲۰۶ دانشجو در دانشگاه آزاد را نشان می‌دهد. در سال مورد بررسی تعداد ۱۸۹۲۱۱۹ نفر در مراکز آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی در حال تحصیل بوده‌اند که از این تعداد ۹۷۵۰۱۰ نفر را زنان و ۹۱۷۱۰۹ نفر را مردان تشکیل داده‌اند. در سال مورد بررسی ۴۸۷۳۲۲ نفر در مقطع کاردانی، ۱۲۷۵۹۰۹ نفر در مقطع کارشناسی، ۷۰۲۰۵ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۵۸۶۸۳ نفر در مقطع دکترای حرفه‌ای و تخصصی مشغول به تحصیل بوده‌اند. این آمار در حالی است که در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ در مقطع تحصیلات تکمیلی تنها ۷۹۸ نفر در دکترای تخصصی و ۱۸/۷۷۴ نفر در دکترای حرفه‌ای مشغول تحصیل بوده‌اند. در سال تحصیلی ۸۳ - ۱۳۸۲، ۱۶۶۱۱۴۴۹ نفر دانش‌آموز در کشور وجود داشته‌اند.

این تغییرات وسیع حتی در دیگر شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز قابل توجه می‌باشد. به عنوان مثال در حالی که در سال ۱۳۶۵ تنها ۳۸۱۲ عنوان کتاب در ایران به چاپ رسیده این آمار در سال ۱۳۸۲ به ۳۶۴۲۶ عنوان افزایش یافته است. آمارها تماماً مویذ این نکته اساسی هستند که جامعه ایران نسبت به گذشته تحول چشم‌گیری (خواسته یا

ناخواستند (هاشته ات‌س. تحولی که این امکان را در آینده به شهروندان می‌دهد که به گونه‌ای دیگر به خود و جامعه‌شان بنگرند.

نتیجه گیری

این امر چندان غریبی نیست که گاه جامعه هدف‌ها یی را دنبال می‌کند که خارج از دسترس آن قرار دارد. د این پژوهش تلاش گردید که از منظری کلان با بهره‌گیری از مباحث اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی ضمن مشخص نمودن هسته‌های زایش اصلی مدرنیته، فقدان مفهوم فرد و حقوق فردی را به عنوان یکی از عناصر اصلی آسیب‌شناسی عدم توسعه سیاسی در ایران مورد گفتگو مقدماتی قرار دهیم. همچنین در یک مقایسه تاریخی به این امر پرداخته شود که با توجه به مبحث جهانی شدن از یک سو و تغییر تفکر و بافت اجتماعی و سیاسی جامعه ز سوی دیگر پتانسیل لازم برای توسعه سیاسی و شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران فراهم شده است.

ضرورت، خواست و اشتیاق به تحقق توسعه سیاسی در ایران نباید در تحلیل سیاسی و اجتماعی ما را باه دان سو سوق دهد که از امکان عینی و ذهنی آن در جامعه (عامله، نخبگان) باز مانده، به گونه‌ای که فقدان یا عدم امکان تحول اجتماعی – سیاسی را تنها در دیدگاهی منفی در غالب «نبودن»، «نداشتن» و «نشدن» تفسیر نماییم. تفسیری که به نظر از مشروطه تا کنون فضای لازم جهت برداشتی رادیکل از تحول خواهی را سامان داده و تبعات منفی آن کماکان جامعه ایران را آزار می‌دهد. واقعیت امر این است که پدید آوردن و مهیا نمودن مجل بروز تفکری خلاق که زمینه‌ساز رولا تاریخی جدیدی برای جامعه باشد از جدی‌ترین مباحثی است که ساخت قدرت در ایران نه برای اضمحلال خویش بلکه برای تداوم و قوام خود به آن نیازمند است. توجه به این واقعیت است که شرایط لازم را جهت اتخاذ سیاستی آگاهانه و همگام با نیازهای واقعی جامعه در بستری قانونمند و با تکیه بر مشارکت و حضور خلاق مردم در تمامی عرصه‌ها را پدید می‌آورد. نباید از نظر دور داشت که توسعه خودجوش و مبتنی بر بنیادهای اجتماعی داخلی، مستلزم درکی فراختر از واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. کوتاهی قامت‌های سنتی و ضرورت خیزش همه سویه در جامعه، موید این مطلب است که پاسخگو یی به چالش‌های اساسی جامعه در گرو نگرش‌های جدید از منظر دید انسانی نوین است. زیرا همان‌گونه که دیرکس اشاره می‌کند «نتیجه فقدان تصویری قابل قبول و قابل تصدیق از انسان، یک واقعیت سیاسی غیر قابل قبول است»^{۲۶}

* این مقاله قبلا در ششمین کنفرانس بین‌المللی ایران‌شناسی (۲۰۰۶) در لندن ارائه شده است.

- ۱ - چنگیز پهلوان - همان کتاب - ص ۴۴
- ۲ - به عنوان مثال می‌توان تأثیر نظام بین المللا پس از جنگ جهانی دوم را بر شکل گیری الگوهای توسعه به روشنی مشاهده نمود.
- ۳ - به گفته برمن «مدرن بودن یعنی زیستن یک زندگی سرشار از معما و تناقض. مدرن بودن یعنی اسیر شدن در چنگ سازمان‌های بوروکراتیک عظیمی که قادر به کنترل و غالباً قادر به تخریب همه اجتماعات، ارزش‌ها و جان‌ها هستند، و با این همه دست بسته نبودن در پیگیری عزم راسخ خویش برای مقابله با این نیروها، جنگیدن به قصد تغییر جهان این نیروها و تصاحب آن برای خودمان. برای مدرن بودن باید هم انقلابی و هم محافظه‌کار بود.» به نقل از: مارشال برمن - تجربه مدرنیته - مراد فرهادپور (تهران، طرح نو ۱۳۷۹) ص ۱۲
- ۴ - رونالد اینگلهارت - تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی - مریم وتر (تهران، نشر کویر ۱۳۷۳) ص ۷۵
- ۵ - همان کتاب - ص ۷۶
- ۶ - گابریل آلموند - همان مقاله - ص ۲۶-۲۴
- ۷ - سید عبدالعلی قوام - جهانی شدن و جهان سوم - (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۸۳) ص ۲۵۷
- ۸ - سیروس آریان پور در مقدمه‌ای میسوط بر کتاب «یک بار دیگر روشن یابی چیست؟» با بررسی واژه Aufklärung در نزد کانت و دیگران معتقد است که ترجمه دقیق‌تر و کارآمدتر این واژه در زبان فارسی به جی کلمه «روشنگری» واژه «روشن یابی» می‌باشد که م. نیز بر همین اساس از واژه روشن یابی استفاده کرده‌ایم.
- ۹ - هما ناطق - از ماست که پر ماست - (تهران، نشر آگاه ۲۵۳۷) ص ۵۲۵
- ۱۰ - سفرنامه‌های متعددی که در این دوران به نگارش در آمده مملو از این حیرت زدگی است. به عنوان مثال می‌توان به اثر جالب «حیرت‌نامه: سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن» به گو شد حسن مرسل وند (تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا ۱۳۶۴) اشاره کرد.
- ۱۱ - کاوه بیات - «اندیشه سیاسی داور و تاسیس دولت مدرن در ایران» - فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو - (دی ماه ۱۳۷۲)
- ۱۲ - استفانی کرونین - رضا شاه و شکل گیری ایران نوین - مرتضی ثاقب فر (تهران، نشر جامی ۱۳۸۳) ص ۴۸
- ۱۳ - آمارهای ارائه شده در این پژوهش تمامی از سایت مرکز آمار ایران به نشانی www.sci.org.ir استخراج شده است.
- ۱۴ - اریک هافر معتقد است «نفرت قابل دسترس ترین و فراگیرترین عامل وحدت است.» به نقل از: اریک هافر - پیرو راستین - فیروزه خلعت بری (تهران، نشر شب‌بویز ۱۳۷۲) ص ۱۶۷
- ۱۵ - سازمان ملی جوانان - بیمایش ملی ارزش‌های جوانان ایران - (تهران، سازمان ملی جوانان ۱۳۸۳) ص ۲۰ لازم به ذکر است، جامعه آماری در این پژوهش جوانان ۵۵ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور می‌باشد که با روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع سهمیه ای و با انتخاب یک نمونه ۵۵۶۵۰ نفری در تابستان و پاییز سال ۱۳۸۳ انجام شده است.
- ۱۶ - همان کتاب - ص ۲۴
- ۱۷ - همان کتاب - ص ۴۴
- ۱۸ - همان کتاب - ص ۲۶
- ۱۹ - رونالد اینگلهارت - همان کتاب - ص ۲۰۲
- ۲۰ - همان کتاب - ص ۲۰۴
- ۲۱ - «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲)
- ۲۲ - منوچهر محسنی - بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتار اجتماعی و فرهنگی در تهران - (تهران، نشر زهد ۱۳۷۹) ص ۶۵۶
- ۲۳ - فرامرز رفیع پور - توسعه و تضاد - (تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶) ص ۳۱۸
- ۲۴ - محمد رضا شریف - انقلاب آرام - (تهران، نشر روزنه ۱۳۸۱) ص ۱۵۸
- ۲۵ - استفان کرونین - همان کتاب - ص ۱۹۳
- ۲۶ - هانس دیرکس - انسان شناسی فلسفی - محمد رضا بهشتی (تهران، نشر هرمس ۱۳۸۰) ص ۱۰